

الحمد لله الذى ظهر و اظهر ما هو المستور فى ازل الآزال ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسى



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۴۴

حضرت افنان آقاي معظم آقاي جناب آقا ميرزا آقا عليه من كل بهاء اباه بلحاظ اطهر ملاحظه فرمايند

هو الله تعالى شأنه العظمة والاقتدار

الحمد لله الذى ظهر و اظهر ما هو المستور فى ازل الآزال و نطق بثناء نفسه اذا انجذب المخلصون الى ساحة القرب و القدس و الجمال و البهائيون الى مقام انقطعت عن ذكره الأقلام و لا يحويه المقال تعالى من سخر الأشياء من حركة قلبه الأعلى و اقام الأمر على اساس لا تزغره ارياح النفاق من الذين كفروا بالله رب الآخرة و الأولى البهاء المشرق من افق فضل ربنا الأبهى على افنان السدرة الذين شربوا رحيق الأصفى من يد عطاء ربهم مالک الأسماء و على الذين نبدوا اهوائهم و تمسكوا بالعروة الوثقى التى ظهرت بين الأرض و السماء بارادة قوية التى ما منعها سطوة الأشقياء الذين اعرضوا عن ملكوت البقاء و اقبلوا الى ما هو يفنى نسأل الله ربنا و رب ما خلق بين الأرض و السماء بأن يؤيد الكل على عرفانه و الاقبال الى ما ينفعهم فى عوالم ربهم العلى الأبهى

روحى لنفحات قلبكم الفداء لعمر الله قد وجد الخادم من عرف بيانكم ما قررت به عين كل عارف و قام به كل قاعد و نطق به كل كليل و سمع كل اصم و تقرب كل غريب و بعيد لأنه مرّ من روض نبتت باسم الله و محبته و ذكر الله و مودته و ثناء الله و عظمته قال عزّ ذكره فى مقام طوبى لقلم تحرّك على ذكرى و ثنائى و لعين توجهت الى مشرق فضلى و مطلع انوارى و للسان شهد بما شهد به لسانى و لقلب فاز بحجى و ليد اخذت كتاب اوامرى و احكامى و لرجل مرت عن الدنيا و قامت على صراطى و لنفس شربت كوثر الاستقامة فى امرى كذلك نطق لسانى فى ملكوت بيانى ليفرح به كل قلب فى هذا اليوم العزيز البديع انتهى فى الحقيقة اين خادم فانى از دستخط على كمال بهجت و مسرت و فرح حاصل نمود چه كه هر كلمه آن مدلل بود بر رضای آن حضرت و تسليم آن حضرت و عرفان آن حضرت و اين كلمه چه قدر مليح است كه از قلم آن حضرت جارى شده كه مرقوم داشته ايد و ما قضى و يقضى و امضى و يمضى انه هو خير لأحبائه و اصفياؤه عن ملكوت ملك السموات و الأرضين لأنه اعلم بهم منهم يا ليت علم العالم ما وراء حجب الظهور و وقف الأمم بما هو المضمّر المستور الى آخر بيانكم بعد از عرض اين بيان بساحت اقدس لسان عظمت باين كلمه مباركه ناطق يا خادم اگر ناس بآنچه



ORIGINAL

از قلم افنان علیه بهائی که در این چند سطر ثبت شده ناظر و عامل شوند کل خود را غنی و مستغنی از ما سوی الله مشاهده نمایند و بر ارائک سرور و انبساط و اطمینان متکی شوند یا خادم اگر نفسی فی الجمله تفکر نماید و باستقامت تمام بعروۀ امر متمسک شود بیقین میداند مقامی از او فوت نمیگردد و بعنایاتی فائز میشود که حال ادراک مدرکین باو صعود نماید و عرفان عارفین خود را عاجز مشاهده کند و بعد از فوز باین مقام اعلی دیگر احزان و کدورات عالم او را مکدر نسازد طوبی لأفنانی الذی نطق بما تَضَوّع منه عرف العرفان بین الامکان لعمری انه نطق بما ینبغی له انا نذکره و ذکرناه من قبل مرّة بعد مرّة کأنّه کان قائماً لدى الباب فی العشیّ و الاشراق انتهى

یا محبوب فؤادی این عبد در کلّ آن در بحر حیرت متغمّس چه که ملاحظه مینماید انوار ظهور عالم را احاطه نموده و تجلیات آفتاب حقیقی جمیع ارض را اخذ فرموده مع ذلک کل در فراش غفلت نائم و یا در تیه جهل سائر الا من شاء ربّی صدهزار افسوس که نفوس از بحر سرور محرومند از حقّ جلّ سلطانه سائلم که جمیع اهل امکان را بخلع غفران مزین فرماید و کل را به ما انزله فی الکتاب کما هی آگاهی عطا فرماید چه اگر آگاه شوند والله الذی لا اله الا هو از خود و عالم بگذرند و به ما یلیق لهذا الیوم قیام نمایند

عرض دیگر آنکه عریضه آن حضرت که بساحت اقدس معروض بودند این عبد فانی بالحبّة و القوّة اخذ نمود و بافق اعلی فائز شد و بعد از حضور در منظر ابهی معروض داشت هذا ما انزله الوهاب فی الجواب

هو المحرّک فی العالم

یا افنانی قد قرأ العبد الحاضر ما ناجیت به ربّک المظلوم الغریب الذی یدع کلّ الی الله ربّ العالمین انا سمعنا ما نطق به لسانک و ما تحرّک به قلبک و شاهدنا توجه قلبک و عینک و اذنک الیه و الی جماله و ندائه المرتفع فی کلّ حین فوالذی جعل مقرّ عرشه فی السّجن الأعظم لو اطلع العالم علی رشح من بحر فضلی لنبدوا سوائی و اخذوا صراطی المستقیم یا افنانی مع آنکه جمیع بشر در کلّ حین فنای ارض و آنچه در اوست مشاهده مینمایند مع ذلک باو متمسکند و از ملکوت باقی معرض چه بسیار از بیوت که در شب نغمات مفرّحه از آنها مرتفع و در صباح نوحه و زاری ظاهر و مسموع چه مقدار از اسباب فرح و سرور و عیش که در آبی بغضا مبدّل شد و چه مقدار از زخارف و نعمه که صاحب آن از آن محروم گشت و جمیع این امورات را خلق غافل مشاهده نموده و مینمایند مع ذلک محجوب و غافل و معرض ملاحظه میشوند دریای شیرین مقابل چشمها ظاهر و مواج و کل بیرکۀ ملحیۀ اجایی مشغول الحمد لله اثر حرارت محبّت الهی از لسان و قلب و ارکان آن جناب ظاهر و هویدا است بجان محبوب صدهزار عالم باین مقام معادله مینماید اگر وسعت عالم اقتضا مینمود ثمرات اعمال ظاهر میشد انشاءالله لم یزل و لا یزال بعنایات مخصوصه ربّانیّه فائز باشند و بذکرش مشغول و مسرور نفوسی که از کوثر بیان آشامیده اند و بافق رحمن ناظرند جمیع را تکبیر برسانید و بذکر حقّ مسرور دارید انتهى

اینکه اظهار افسردگی فرموده بودند انشاءالله امید است که از نفحات بیان ربّنا الرحمن که مخصوص آن حضرت نازل شده افسردگی رفع شود و بطراز سرور مزین گردند و بر حسب حکم الهی باید آن حضرت بتجارت مشغول شوند و انشاءالله اسباب آن فراهم خواهد آمد و آنچه از قلم اعلی در الواح قبل نازل شده ظاهر خواهد شد انه هو الخیر العلیم الحکیم البهاء علی حضرتکم و علی الذین عملوا بما امروا به فی کتاب الله ربّ العالمین

و عرض دیگر مبلغ ۱۴ عدد جنیه بتوسط آقائی جناب اسم الله مه عليه بهاء الله الأبهي رسید

خادم

فی ۱۴ ربیع الثانی سنه ۱۲۹۷

غصنین اعظمین روحی و ارواح العالمین لتراب اقدامهما العزیز فدا بذکر ابداع اعلی و تکبیر اقدس ابهی آن حضرت را ذاکر
و مکبرند